

شماره: ۹۵/۳۰۶۶۳

تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۵

پوست:

بسته

دبیرخانه شورای نگهبان	
شماره ثبت:	۹۴,۱۰,۱۴۱۳
تاریخ ثبت:	۱۳۹۳/۵/۵
ساعت ورود:	پرونده

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

عطف به نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ و پیرو نامه

شماره ۹۵/۷۲۴۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که به منظور

رفع ایرادات آن شورا در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس

شورای اسلامی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.

علی لاریجانی

## لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

ماده ۱- ...

ماده ۳- اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم‌علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه تا ده روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

در صدر ماده (۳) کمیسیون بر مصوبه قبلی خود اصرار دارد.

تبصره ۱- چنانچه محکوم‌علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه محکوم‌له آزادی وی را بدون أخذ تأمین بپذیرد یا محکوم‌علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم‌به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم‌علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت ردّ دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم‌علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می‌شود نسبت به استیفای محکوم‌به و هزینه‌های اجرائی از محل وثیقه یا وجه‌الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. نحوه صدور قرارهای تأمینی مزبور، مقررات

اعتراض نسبت به دستور دادگاه و یا دادستان و سایر مقررات مربوط تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

در سطر ما قبل آخر تبصره (۱) ماده (۳) عبارت «دادگاه و یا» حذف و بعد از عبارت «مقررات مربوط» عبارت «به این دستورها» اضافه شد.

تبصره ۲- ...

ماده ۵- قوه قضائیه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می‌شوند جدای از محکومان کیفری و در مراکزی با عنوان «مرکز نگهداری محکومان مالی» که برای این منظور ایجاد می‌کند، نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسین متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به‌کارگیری، پرداخت و هزینه‌کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین‌نامه‌ای است که به وسیله سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و ظرف سه‌ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

از سطر دوم و سوم ماده (۵) عبارت «و در مراکزی با عنوان مرکز نگهداری محکومان مالی که برای این منظور ایجاد می‌کند» حذف شد.

ماده ۶- ...

ماده ۷- مدعی اعسار باید اعسار خود را ثابت نماید مگر اینکه در ازای دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد که در این صورت هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملاتت مدیون را ثابت کند، ادعای اعسار با ادای سوگند به وسیله مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

تبصره- در مواردی که اثبات اعسار برعهده مدیون نیست نیز هرگاه طلبکار ملائت سابق او را ثابت کند حدوث اعسار(اعسار فعلی او) برعهده مدیون خواهد بود.

ماده (۷) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف شد:

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می شود.

ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیر منقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانکها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار بر عهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملائت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادت نامه کتبی حداقل دو شاهد را که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادت نامه مذکور

باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

در سطر دهم ماده (۸) عبارت «که با او حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند» حذف و عبارت «به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند» جایگزین شد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضعیت معیشت او آگاه است و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.

در سطر دوم و سوم ماده (۹) عبارت «حداقل یک سال معاشرت داشته و از وضعیت معیشت او آگاه است» حذف و عبارت «به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته» جایگزین شد.

ماده ۱۰- ...

ماده ۱۱- در صورت پذیرش ادعای اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

در سطر اول ماده (۱۱) عبارت «پذیرش ادعای» حذف و کلمه «ثبوت» جایگزین شد.

تبصره ۱- صدور حکم تقسیط محکوم‌به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفاء بخش اجراء نشده آن از اموالی که از محکوم‌علیه به دست می‌آید یا مطالبات وی نیست.

تبصره ۲- هر یک از محکوم‌گله یا محکوم‌علیه می‌توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم‌علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می‌کند.

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به ردّ دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت وجوه زیر محکوم می‌کند:

۱- حق‌الوکاله وکیل معاضدتی در صورت استفاده از وکیل معاضدتی در حق دولت

۲- خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی

ماده (۱۲) ضمن حذف بند (۱) به شرح زیر اصلاح شد:

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد شود، دادگاه در ضمن حکم به ردّ دعوا، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می‌کند.

ماده ۱۳- ...

ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید مطابق مقررات قانون تجارت رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره- اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.

در ماده (۱۵) عبارت «مطابق مقررات قانون تجارت» حذف شد و متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱۵) الحاق و شماره تبصره قبلی به (۱) تغییر یافت.  
تبصره ۲- دولت، شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی و عام‌المنفعه نمی‌توانند درخواست اعسار و ورشکستگی نمایند.

ماده ۱۶- ...

ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی‌کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با ارتکاب تقصیر، موجب اعسار خود شده است، به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم می‌کند:

۱- ممنوعیت خروج از کشور

۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

۳- ممنوعیت عضویت در هیأت‌مدیره شرکتهای تجاری

۴- ممنوعیت تصدی مدیر عاملی در شرکتهای تجاری

۵- ممنوعیت دریافت اعتبار و هرگونه تسهیلات به هر عنوان از بانکها و

مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به‌جز وامهای ضروری

۶- ممنوعیت دریافت دسته چک

در سطر دوم ماده (۱۷) عبارت « که با ارتکاب تقصیر موجب اعسار خود شده است» حذف و عبارت « که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن» جایگزین شد.

ماده ۱۸- ...

ماده ۲۱- انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا

هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌آلیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد.

در انتهای ماده (۲۱) عبارت «به عنوان جریمه اخذ و محکوم‌به از محل آن استیفاء خواهد شد» جایگزین عبارت «بابت تأدیه دین استیفاء خواهد شد» گردید.

**ماده ۲۲-** در هر مورد که شخصی متعهد به ایفای دینی است در صورت درخواست محکوم‌له باید متفرعات طلب را نیز مطابق قانون ایفاء کند. متفرعات طلب شامل خسارت تأخیر در انجام تعهد و خسارت دادرسی است. در تعهدات پولی خسارت ناشی از کاهش ارزش پول نیز در ردیف متفرعات طلب بر اساس تغییر شاخص سالانه اعلام شده به وسیله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از زمان مطالبه دین اصلی تا هنگام تأدیه آن تعیین می‌شود و در صورت مطالبه دین اصلی و امتناع مدیون از پرداخت، قابل مطالبه است مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند.

**ماده (۲۲) حذف شد.**

**ماده ۲۳-...**

**ماده ۲۴-** مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب به قوت خود باقی است.

**ماده (۲۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق شد:**

**ماده ۲۴-** مرجع اجراءکننده رأی باید به تقاضای محکوم‌له قرار ممنوع‌الخروج بودن محکوم‌علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم‌علیه یا جلب رضایت محکوم‌له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون



مدنی به قوت خود باقی است.  
تبصره- در خصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً به محکوم علیه اجازه خروج از کشور را می دهد.

ماده ۲۵- قوه قضائیه مکلف است هویت کلیه محکومان مالی که به موجب حکم قطعی محکوم به دادن هر نوع مالی به دیگری می شوند را به همراه میزان محکومیت، در سامانه الکترونیکی که به این منظور ایجاد می کند، بلافاصله درج نماید. این اطلاعات به تشخیص و دستور دادستان در اختیار متقاضیان قرار می گیرد.

ماده (۲۵) حذف شد.

ماده ۲۶- مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

- الف- منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد.
- ب- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.
- ج- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود.
- د- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها
- ه- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.
- و- تلفن مورد نیاز مدیون
- ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به عنوان قرض به موجر پرداخت می شود، مشروط بر این که پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد.

در بند (ز) ماده (۲۶) عبارت «به عنوان قرض» حذف و متن زیر به انتهای آن اضافه شد: «و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.»

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد، به تقاضای محکوم له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل متناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد.

تبصره (۱) ماده (۲۶) به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارالیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد به تقاضای محکوم له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم له به طریق سهل تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان پذیر باشد که در این صورت محکوم له از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرحهای عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود، مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را ندارد.

در سطر سوم تبصره (۲) ماده (۲۶) عبارت «وصول محکوم له از آن امکان پذیر است» جایگزین عبارت «عوض گرفته شده قابل توقیف نخواهد بود» گردید و در انتها کلمه «ندارد» به کلمه «دارد» تغییر یافت.

ماده ۲۷- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد خارج از شمول مستثنیات دین است.

در انتهای ماده (۲۷) عبارت «خارج از شمول مستثنیات دین است» حذف و عبارت «به عنوان جریمه اخذ و محکوم به از محل آن استیفاء و مابقی به وی مسترد خواهد شد» جایگزین گردید.

ماده ۲۸- چنانچه محکوم له در نتیجه عدم امکان وصول مطالبات خود از محکوم علیه دچار عسر و حرج شود، به نحوی که معاش عادی زندگی وی و افراد تحت تکفلش مختل گردد، می تواند دادخواست خود را برای وصول محکوم به از منزل مسکونی محکوم علیه به انضمام دلایل آن به دادگاه صادرکننده اجرائیه ارائه کند. چنانچه به تشخیص دادگاه عسر و حرج طلبکار صرفاً با فروش منزل مسکونی محکوم علیه قابل رفع باشد، مهلتی که از سه ماه کمتر نباشد برای جلب رضایت محکوم له به محکوم علیه داده می شود. پس از انقضای مهلت در صورت عدم پرداخت محکوم به، حکم به فروش منزل مسکونی با رعایت تشریفات مقرر قانونی داده می شود. تا سقف یک دوم ثمن حاصل از فروش صرف تأدیه طلب محکوم له می شود و مابقی به محکوم علیه پرداخت می گردد.

ماده (۲۸) حذف شد.

ماده ۲۹- مقررات مواد (۱)، (۲) و (۱۹) تا (۲۵) این قانون در مورد اشخاص حقوقی نیز مجری است.

ماده (۲۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲۹- احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم‌علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم‌علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است.

ماده ۳۰- ...

ماده ۳۲- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می‌شود و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است.

از انتهای ماده (۳۲) عبارت «و ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ به قوت خود باقی است» حذف شد.

اصلاحات فوق در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ اول مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ب.

علی لاریجانی